

## تحلیل آثار مشارکت‌گیری غیرتبعیض‌آمیز جنسیتی، از نظریه تا عمل

افسانه شفیعی، استادیار موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

### تابش نیوز

بیش از چهار دهه از زمان آغاز توجه سازمان ملل متحد به موضوع نقش زنان در ارتقای مدارهای توسعه‌یافتگی مورد توجه ملل متحد قرار گرفت و گسترش آن، می‌گذرد. طی این دوران با تاکید بر ضرورت برخورداری حداکثری از مشارکت عوامل تولید اقتصادی در روند دستیابی به سطوح بالاتر توسعه اقتصادی، نحوه تاثیرگذاری ورود زنان به بازار کار مورد تحلیل قرار گرفت. در این ارتباط، برنامه «زنان در توسعه» جزء اولیه‌ترین رویکردهایی بود که از دهه ۱۹۷۰ ظهور کرد و طی آن زمینه‌ای رسمی برای پرداختن به موضوعات زنان در پروژه‌های توسعه‌ای بوجود آمد. در تشریح دقیق‌تر برنامه زنان در توسعه، باید عنوان داشت که با افزایش سطح آگاهی زنان در امور مختلف اجتماعی، اقتصادی، و ... در دهه ۱۹۷۰، برنامه‌ریزان تصمیم گرفتند تا با دخیل کردن زنان در طرح‌های برنامه‌ای خود زمینه‌های مولدتر شدن این بخش از اجتماع را فراهم سازند. برنامه «زنان در توسعه» در ابتدا با پذیرش ساختارهای حاکم در کشورهای که خواستار اجرای برنامه بودند، تلاش کرد تا بهترین شیوه‌های ورود زنان در امور توسعه‌ای را در کشور مربوطه بیابد. در واقع، اصلی‌ترین هدف این برنامه افزایش سطح بهره‌وری و درآمدزایی زنان بود. اما به واسطه آنکه اعتبار فروض اولیه آن به لحاظ کفایت از ترسیم وضعیت حاکم، از سوی بسیاری از افراد مورد انتقاد قرار گرفت، جای خود را به رویکردی جامع‌تر تحت عنوان رویکرد «جنسیت در توسعه» داد که طی آن مناسبات جنسیتی، به‌عوض پرداختن صرف به موضوع زنان در امر توسعه، مورد تاکید بیشتر قرار گرفت. در واقع، این برنامه روشی برای تعیین بهترین ساختار برنامه‌های توسعه‌ای از طریق تحلیل نحوه مشارکت برحسب جنسیت در بازار کار بود که در دهه ۱۹۸۰ به‌عنوان رویکردی بدیل در برابر برنامه زنان در توسعه طراحی شد. به بیان دیگر، عمده جهت‌گیری این رویکرد به سمت دریافت دلایل مصادیق تبعیض در بازار کار است و نقطه تمرکز آن به‌عوض مسایل زنان، بیشتر معطوف به نحوه مشارکت زنان و مردان در فرآیندهای مختلف توسعه‌ای قرار دارد. رویکرد مزبور با طرح ضرورت‌های توانمندسازی تکامل یافت.

در اقتصاد ایران بررسی شاخص‌های مشارکت اقتصادی زنان حاکی از شرایط نامناسب در این ارتباط است. بهبود این امر نیازمند راهکارهای اجرایی برای افزایش مشارکت بخش‌های مختلف جامعه بویژه زنان است و اصلاح دیدگاه مسئولین و جامعه نخستین گام در این راستا به شمار می‌رود. در این ارتباط، توجه به موارد زیر می‌تواند چارچوب فکری مناسبی را در انجام سیاست‌گذاری‌های مرتبط دربر داشته باشد:

• اهمیت توسعه اقتصادی بالاتر با بهره‌گیری حداکثری از عوامل تولید و در شرایط رقابتی. در این خصوص هرگونه تبعیض جنسیتی به‌عنوان یک مانع در برابر شرایط رقابتی به حساب می‌آید.

• مشارکت‌گیری رقابتی تر، معیار سطح بالاتر بهره‌وری مداری؛

• ضرورت بسترسازی‌های اقتصادی (تامین شرایط رقابت منصفانه) و حقوقی (اصلاح چارچوب-های قانونی)، نهادسازی و تقویت تشکلهای فراگیر در حوزه فعالیت‌های اقتصادی زنان (تجهیز مراکزی در جهت ارایه انواع مشاوره‌های بازرگانی؛ حقوقی؛ بیمه تامین اجتماعی و امور مالیاتی)، فرهنگ‌سازی (رفع نگاه تبعیض آمیز)؛

• ضرورت اتخاذ رویکردهای اصلاحی بالا به پایین (سیاست‌گذاری دولتی) توأم با رویکردهای پایین به بالا (اصلاح نگرش حاکم در ریزجزء‌های بازاری).

بی‌تردید، با توجه به موارد برشمردده و سیاست‌گذاری‌های به‌عمل آمده در جهت تشدید رقابت در بازار عوامل و سرمایه‌گذاری می‌توان با امکانات موجود انتظار رشد بالاتر اقتصادی را داشت.